



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۷ ■ ۲۰ آبان ۱۴۰۰

نوجوان  
بازار

## توصیف بازگشت

نوجوانی که تا دیروز، پریروز ترجیح می داد با دوستانش هم در ویدیو کال دیدار تازه کند، حالا باید برود بنشیند سر کلاس با چند متر فاصله و یک الکل کنار دستش و مدام در کلاس به دو سال نوجوانی که تجربه کرده بود فکر کند. آرزو کند یک لحظه با لباس راحتی بدون این که نیازی باشد شش دنگ حواسش را به کلاس بدهد مدرسه را بگذراند و باز بنشیند پای رینگ لایت و دوربین گوشی اش. چطور آموزش و پرورش می تواند نوجوانی که حالا خواسته ها و تجربه هایش نسبت به زندگی دانش آموزی صد چندان شده را پای درس خواب آور تاریخ یا گسسته بند کند؟ نوجوانی که حالا دستش بند است و دلش به علایق و برنامه ریزی مطابق میلش خوش، شاید داشته هایش چه مادی و چه معنوی تغییر چندانی نکرده باشد اما توقعش از مدرسه و معلم باید به

جذابیت سبک زندگی جدیدی که برای خودش دست و پا کرده باشد. احتمالا اگر آموزش و پرورش و مدرسه بخواهد با رویه قبل پیش برود با چندین بحران رو به روییم. نوجوانی که با داشتن شغل چه در فضای حقیقی چه در فضای مجازی دیگر نیازی به مدرسه رفتن نمی بیند احتمالا سودای ترک تحصیل مثل خوره به جانش می افتد و کسی هم که به مدرسه رفتن و بازگشت به فضای حقیقی مجبور می شود، به خاطر از دست دادن فرصت هایی که برای خود ایجاد کرده غصه اش می گیرد و احتمالا افسردگی این جبر امانش را می برد.



## فراز مجدد کلاس های حضوری

# بازار نیمکت نشینی

ی کار کمی فضل به رخ بکشم که فی المثل می دانم «اصل» در این یک می کرد با این که گاهی منظور شاعر چیز دیگری بود؛ در این مورد واقعا حقیقت بگوییم. بازگشت از فضای مجازی به بهانه کرونا طی دو سال مجازی به لحاظ فلسفه سلیقه در آن اختلاف نظر وجود دارد و اصطلاحا حضوری بهانه خوبی شده برای بررسی همین مسأله. در نتیجه گوش



## حالا پیشنهاد چیست؟

تا دو سال پیش هر چند وقت یک بار یک شبیخون برای گرفتن گوشی تلفن همراه در مدرسه می زدند و لرزه بر اندام دانش آموزان خلافتار مدرسه می انداختند ولی ورق برگشت و حالا جز در گوشی تلفن همراه نمی شود در مدرسه شرکت کرد. حالا که زمزمه بازگشایی مدارس در کشور راه افتاده است این که همچنان گوشی یک گناه نابخشودنی محسوب می شود یا نه یکی از بزرگ ترین تضادهای آموزش و پرورش خواهد بود. تناقضی که با مجازی شدن بخشی از آموزش احتمالا حل می شود.

مفهوم آزمون و امتحان احتمالا باید رنگ و بوی دیگری بگیرد و وای اگر کلاس های درس شبیه به قبل باشد و فاصله بین دانش آموز و مدرسه را بیشتر کند. معلم هم که نمی شود با روش قبل تدریس کند و رویکرد کلاس های درس اصلش باید بشود فوق برنامه با چاشنی درس. میزان ساعت های کلاس هم بنا به توان یادگیری برنامه ریزی شود و یک مشاور مهربان رازدار، تاکید کنم رازدار هم باید مدام حال و احوال بچه ها پیگیری کند و خلاصه از این به بعد کار مدارس سخت تر از قبل است.

آخرین، مهم ترین و سخت ترین کاری که آموزش و پرورش باید انجام دهد شخصی سازی رویکرد مدارس بنا به رصد فرد به فرد بچه ها است. دو سالی که دانش آموزان خصوصا نوجوانان در کرونا گذراندند، برنامه های شخصی برای پرکردن وقت شان داشتند در نتیجه بیشتر از قبل نیاز شخصی سازی در مدارس حس می شود. مثال بارزش می شود این که برای همه پایه ششمی ها یک کتاب درسی با یک متد آموزشی و یک میزان توجه تربیتی اعمال می شود در حالی که نیاز به هر کدام از این موارد در هر فرد متفاوت است. حالا باید دید با بازگشایی مدارس چه اتفاقی برای سیستم آموزشی و دانش آموزان می افتد!



واده دنبال یک مدرسه درست و درمانی که وقت نوجوان طفلی ه آن دانش آموز دیروز امروز دستش را توی جیب خودش کند و

فتش شده بود با همان مهارت و علاقه ای که کسب کرده و اموراتی

